لغت های درس ۱ فارسی

هم معنی	
انتها: آخر - پایان	بوستان: پارک
بغل: آغوش – میان دو دست	خاطرات: یادها – خاطره ها
درون: داخل	مقابل: روبه رو - جلوِ
شروع: آغاز	عظمت: بزرگی
محلّه: قسمتی از یک شهر یا روستا	قنّادی: شیرینی فروشی
صمیمی: همدل و مهربان	بازارچه: بازار کوچک
ثبت نام: نوشتن اسم – نام نویسی	نگران: دلواپس
خیال: فکر	دکان: مغازه
ناراحت: غمگین	عادت: آنچه براثر تکرار رفتار همیشگی شود
فیروزه ای: به رنگ فیروزه–آبی متمایل به سبز	اطراف: دور و بر
کینه: دشمنی کسی را در دل داشتن	لحظه: زمان
تیم: گروه	محل: جا
برگزار: برپا - انجام	بعضی: تعدادی
سنجاقک: حشره ای زیبا و تندپرواز با دو بال بلند و نازک، چشم های بزرگ و شاخک های بلند	
متضاد	
آشنا : غریب	انتها: ابتدا
با دقت بی دقت	بیمار: سالم
آغاز: پایان	مفید: مضر
هم خانواده	
محله: محل	وسایل: وسیله
خارج: خروج	عظمت: عظیم
خاطرات: خاطره	حساس: حس

Scanned with CamScanner

لغت های درس ۲ فارسی

هم معنی	
آغاز: شروع	پیوسته: پی در پی – به دنبال هم
نرم نرمک: آرام آرام – آهسته	ماهرانه: با مهارت
دهانه: لبه – ورودی هر چیز	شبیه: مانند – مثل
حکیم: انسان خردمند و دانا	جلب نظر کردن: جلب توجه کردن
بحث: گفت و گو	جنب و جوشش: تلاش، جنبش
بیشه: جنگل	موضوع: آنچه درباره آن گفت و گو می شود.
صنوبر: نام درختی زیبا – نامی برای دختران	مربّی: فردی یا کسی که چیزی یاد می دهد.
حیرت: شگفتی - تعجب	مخصوص: ویژه
نزد او: پیش او	هنگام: موقع – وقت
تنگ: پارچ سفالی یا شیشه ای که در آن آب یا نوشیدنی های دیگر می ریزند.	
مأمور: آنکه به فرمان کسی برای انجام کاری انتخاب شود.	
سفال: ظرف یا شیء درست شده از خاک	
حرفه ای: کسی که در کاری مهارت دارد. انجام کار در حد خیلی خوب و عالی	
بلور: نوعی شیشه ی شفاف که برای ساختن ظرف استفاده می شود.	
متضاد	
بعد: قبل	مفید: زیان آور
خوب: بد	بیشتر: کمتر
روز: شب	بهتر: بدتر
پیشرفت: پسرفت	اصلی: فرعی
آغاز: پایان	بانظم: بی نظم
دوست: دشمن	نزدیک: دور

Scanned with CamScanner

لغت های درس ۳ فارسی

هم معنی	
گردش علمی: گردش دسته جمعی د.آ	دامنه ی کوه: بخش شیب دار پایین کوه
هم فکری: با هم درباره موضوعی فکر کردن	گزارش: شرح و بیان کارهای انجام شده
باعث: دلیل - علامت	گویا: رسا – روشن و آشکار
دل پذیر: پسندیده – دل خواه	لذّت: حالت خوشایند و خوب
نشاط: شادابی - شادی	چشمه: جایی که آب از زیرِ زمین بیرون بیاید
جوی: گذرگاه باریکی که آب از آن می گذرد	ایزد: خداوند
عبور کردن: گذشتن – گذر کردن	طبیعت: بخشی از هستی
اهمیت: باارزش و مهم بودن	محیط: مکان اطراف هر شخص یا هر چیز
آشغال: زباله	آلودگی: کثیفی
طبیعت: بخشی از جهان هستی	قلّه: نوک کوه یا تپه
روان: رونده - جاری	نگریست: نگاه کرد
غرق شدن: فرورفتن و خفه شدن در آب، غوطه ور شدن در آب یا هر چیز دیگر	
پونه ی وحشی: نوعی گیاه، سبزی خوشبو مانند نعنا	
نماینده: کسی که از طرف شخصی یا گروهی کاری انجام می دهد.	
متضاد	
آلوده: پاک	گذشته: آینده
اوّل: آخر	بهتر: بدتر
جلو: عقب	گروهی: فردی
تمیز: کثیف	بیماری: سلامتی
کوتاه: بلند	وحشی: اهلی

Scanned with CamScanner